

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.2, Summer2021

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2021.288462.1772>

The Impact of Social Capital Components on the Formation and Victory of the Iranian Constitutional Revolution

Abstract

In the course of contemporary Iranian history, there have been many social uprisings and popular protests against colonialism and tyranny, the roots of which can be traced to the Constitutional Revolution as the most important and richest social capital of contemporary Iran. In this article, using the spiritual norms and qualitative elements of social capital such as: religious teachings, faith in God, the spirit of martyrdom, self-sacrifice, Ashura culture, etc., he has explained the developments of the Iranian Constitutional Revolution. The present study is descriptive-analytical and a combination of the method of studying and collecting libraries and reputable scientific research sites. Considering that "normative theory" emphasizes the application of spiritual values, especially the rule of values, so the method of this research in relation to It is normative and pays attention to the indigenous and religion-oriented approach. Since in the view of Putnam, a prominent Western theorist, the indicators of social capital are based on the norms of trust and cooperation and play an important role in facilitating collective action, so some passages from this research are inspired by his theory. The purpose of this study is to achieve the factors and achievements of social capital that have been influential in the era of the Iranian Constitutional Revolution.

Keywords: Constitution, Social Capital, Revolution, Religious Scholars, Qajar Government

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2021.288462.1772>

تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مشروطه ایران

نعمت اله همراهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

فریدون اکبرزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

شیوا جلال پور^۳حامد محقق‌نیا^۴

چکیده

در روند تاریخ معاصر ایران، خیزش‌های اجتماعی و اعتراضات مردمی فراوانی در مقابله با استعمار و استبداد به وقوع پیوسته است که ریشه‌های آنها را می‌توان در انقلاب مشروطیت به عنوان مهم‌ترین و غنی‌ترین سرمایه اجتماعی ایران معاصر جستجو کرد. در این مقاله، با بهره‌گیری از هنجارهای معنوی و عناصر کیفی سرمایه اجتماعی مانند: آموزه‌های دینی، ایمان به خدا، روحیه شهادت‌طلبی، ایثار و فداکاری، فرهنگ عاشورا و ... به تبیین تحولات انقلاب مشروطه ایران پرداخته است. پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و ترکیبی از روش مطالعه و جمع‌آوری کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر علمی پژوهشی است و با توجه به اینکه «نظریه هنجاری» بر کاربرد ارزش‌های معنوی خصوصاً حاکمیت ارزش‌ها تأکید دارد، بنابراین روش این تحقیق در رابطه با حوزه هنجاری و توجه به رویکرد بومی و دین‌محور است. از آنجا که در نگاه «پوتنام» نظریه پرداز برجسته غربی، شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر پایه هنجارهای اعتماد و همیاری تحقق می‌یابد و نقش مهمی در تسهیل کنش جمعی دارد، بنابراین فراز‌هایی از این تحقیق، از نظریه وی الهام گرفته است. هدف این تحقیق، دستیابی به عوامل و دستاوردهای سرمایه اجتماعی است که در عصر انقلاب مشروطه ایران تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: مشروطه، سرمایه اجتماعی، انقلاب، علمای دینی، حکومت قاجار

nemathamrahi@gmail.com
drferedounakbarzadeh@gmail.com
Shiva_jalalpoor@yahoo.com
Mohagheghnia7877@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

انقلاب مشروطه ایران که با مشارکت توده های مختلف مردم و نقش آفرینی نیروهای اجتماعی به رهبری علمای دینی و مرجعیت شیعه در حساس ترین فراز تاریخ معاصر ایران به وقوع پیوست، تحت تأثیر زمینه ها و عوامل متعددی بوده است که در این مقاله به عنوان مؤلفه های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در انقلاب مشروطه مورد بررسی قرار می گیرد.

نظر به اینکه سرمایه اجتماعی، تأثیر چشمگیری بر روند تحولات و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران معاصر داشته است لذا عناصری مانند ادبیات ملی و فرهنگ بومی، تعالیم مذهبی، روحیه ایثار و شهادت طلبی، فرهنگ نیکوکاری و نوع دوستی و ... به عنوان بخشی از مختصات سرمایه اجتماعی در ایران معاصر به شمار می رود که در جریان جنبش های اجتماعی به ویژه انقلاب مشروطیت ایران و سایر تحولات صد ساله اخیر تجلی یافته است.

سرمایه اجتماعی می تواند با کاربرد گزاره های فرهنگی و هنجارهای معنوی، رفتار افراد و گروه های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت به تغییر حکومت ها و دولت ها بیانجامد. لذا این تحقیق در صدد واکاوی و معرفی پدیده ای نو ظهور بنام «سرمایه اجتماعی» و تأثیر مولفه ها و عوامل شکل گیری و پیروزی انقلاب مشروطه ایران است. روح معنویت، ایمان به خدا، آموزه های دینی و مرجعیت شیعه، شهادت طلبی، ایثار و فداکاری و ... تنها بخشی از مختصات مفهومی سرمایه اجتماعی و تأثیرگذار در روند تحولات انقلاب مشروطه ایران است.

سوال اساسی این مقاله بر این نکته تأکید دارد که مولفه های سرمایه اجتماعی در روند شکل گیری و پیروزی انقلاب مشروطه کدامند و چه تأثیری داشته اند؟

در پاسخ به پرسش یاد شده، می توان این فرضیه را بیان کرد که انقلاب مشروطه ایران توانسته است با تکیه بر مولفه ها و عناصر کیفی سرمایه اجتماعی به پیروزی دست یابد. لازم به یاد آوری است که در روند تجزیه و تحلیل تحولات انقلاب مشروطه از روش «کنش کلامی» علمای دینی، رهبری و مرجعیت شیعه نیز بهره مند شده اند.

محدود کردن قدرت پادشاه، تاسیس مجلس شورا و تدوین قانون اساسی، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب و نهادهای مدنی، از مهمترین نتایج و دستاوردهای انقلاب مشروطه ایران به شمار می رود.

۲- مشخصات سرمایه اجتماعی در ایران معاصر

سرمایه اجتماعی، مجموعه ای از هنجارها و شبکه های اجتماعی است که زمینه مشارکت مردم در کنش هایی اجتماعی را فراهم می سازد. سرمایه اجتماعی را «ماده خام جامعه مدنی» دانسته اند. به گفته جواد

(۱۳۹۵): سرمایه اجتماعی منبع کنش اجتماعی است که می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را درمان و منافع جمعی را تأمین کند (جوادی، ۱۳۹۵: ۹۲).

این سرمایه به عنوان تأثیرگذارترین سرمایه ملی، نقش مهمی در بسیج نیروهای مردمی و خیزش‌های اجتماعی در طول تاریخ معاصر ایران داشته است.

عنصر هویت ایرانی و آموزه‌های دینی و معنوی نیز در همگرایی و مشارکت اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین عناصری مانند فرهنگ بومی و ادبیات ملی، رهبری علما و مرجعیت دینی، ایثار و شهادت طلبی، روحیه خیرخواهی و نوع دوستی، تنها بخشی از مختصات سرمایه اجتماعی در ایران معاصر است که نماد عینی آن‌ها در جنبش‌های اجتماعی به خصوص انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی ۵۷ و جنگ هشت ساله ایران و عراق، تجلی یافته است.

مطالعات انجام شده در این زمینه بر نقش عوامل بسیاری چون تحولات جمعیتی، انقلاب و جنگ در شکل‌گیری این تحولات تأکید کرده‌اند (مهدوی؛ عزیز محمدلو، ۱۳۹۷: ۷).

در جریان تحولات ایران معاصر به علت مذهب و زبان مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداری‌ها، احترام توده‌های مردم به یک سری اصول و ارزش‌ها، فرازهایی از مختصات سرمایه اجتماعی ایرانیان مانند اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی مشاهده می‌گردد.

سرمایه اجتماعی معمولاً در شرایط بحران، قوت و ضعف خود را نشان می‌دهد اما در مواقع عادی نیز مجال حضور و نقش‌آفرینی می‌یابد (اطهری، ۱۷۲: ۱۳۹۱).

۳- اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در آستانه انقلاب مشروطه

در اواخر دوران حکومت ناصرالدین شاه، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران بسیار آشفته و نابسامان بود. ماهیت استبدادی سلطنت قاجار و ظلم و ستم درباریان و مأموران حکومتی نسبت به طبقات مختلف جامعه، زمینه نارضایتی و اعتراض عمومی را نمایان ساخت و روابط میان دولت و مردم را شکننده و متزلزل نمود. قدرت شاه نامحدود بود و پاسخگویی شکایات، اعتراضات و درد و رنج توده‌های ستم‌دیده کشور نبود.

در دوران قاجار هیچ قانون و سنت و تعهد نوشته یا نانوشته‌ای نیست که شاه خود را پایبند بدان بدانند (غفاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۱).

پس از شکست ایران در جنگ با روسیه و نفوذ انگلیس در نظام حکومتی قاجار، زمینه‌های نفوذ غربی‌ها در کشور فراهم شد. به تدریج با نفوذ غرب در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی ایران، قراردادهای امتیازات ناعادلانه تجاری و بازرگانی بر حکومت قاجار و جامعه ایرانی خصوصاً تجار و بازار سنتی ایران تحمیل گردید.

در دوره قاجار، فقهای شیعه فرصت یافتند با نوعی استقلال از قدرت سیاسی قاجار در میان توده نفوذ کنند و جایگاه اجتماعی پیدا کنند (فراستخواه، ۱۳۹۷: ۱۴۳).

۴- مروری کوتاه بر حوادث انقلاب مشروطه

با قتل ناصرالدین شاه، اقتدار سلطنت قاجار در هم شکست اما ظلم و ستم درباریان و حکام محلی، همچنان ادامه داشت. ناتوانی و خوشگذرانی جانشین پادشاه - مظفرالدین شاه - بر هرج و مرج و طغیان بی پایان مردم ناراضی، افزود.

به علت بی ثباتی نظام سیاسی، مظفرالدین شاه در طول مدت هفت سال، پنج بار نخست وزیران خویش را تعویض کرد [اما] تغییر عمده ای در سیاست ها به وجود نیامد. نظام سیاسی استبدادی بود (زاهد، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۳۰).

هم زمان با صدرات عین الدوله، نیروهای دولتی و کارگزاران حکومتی در تهران و سایر شهرهای ایران، دو طبقه را به شدت مورد حمله و سرکوب قرار می دادند علمای دینی و تجار. خشونت و بدرفتاری عوامل حکومتی، توده های ناراضی را به وسط خیابان ها کشاند.

چهار گوشه کشور گزارش هایی از رفتارهای ستمگرانه حکام محلی می رسید، که به تظاهرات و مبارزات طغیان گرانه معترضان می انجامید (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۴۲).

۵- رویدادهای لحظه به لحظه و شعله ور شدن انقلاب

ناگهان چندین حادثه و رخداد لحظه ای، اعتراضات ملی را شعله ور ساخت: اولین جرقه انقلاب، انتصاب نوز بلژیکی به عنوان رئیس گمرک کشور و بدتر از آن، عکس نوز بلژیکی در لباس روحانیت و در حال رقصیدن بود که باعث تحریک احساسات مذهبی مردم شد. توده های مردم به خیابان ها سرازیر و از رهبران مذهبی - آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی - کمک و یاری خواستند.

دومین اعتراض، به چوب بستن و رفتار تحقیرآمیز با دو تاجر محترم و خوشنام تهران و همچنین ضرب و شتم برخی از علما و تجار سایر شهرهای کشور بود. یک بار دیگر تجار و بازاریان خشمگین به علمای دینی پناه آوردند. به اعتقاد لمبتون (۱۹۸۸) رابطه علما و تجار دو سویه بود و در شرایط بحران به همدیگر کمک می کردند:

رابطه اقشار مذهبی با طبقات تجار، صمیمی و دو سویه بود. [یعنی] تجار برای انجام فعالیت های خود به همکاری علما نیاز داشتند - مانند فراخوان واقعه جنبش تنباکو - اما نیروهای مذهبی نیز برای تهیه مخارج مراسم دینی مانند ایام رمضان، محرم و اعیاد مذهبی، از تجار کمک می خواستند [علاوه بر آن] تجار و

صنعتگران نیز در هنگام سختی و مشکلات به خانه یک عالم (مجتهد) پناه می‌بردند و از علما انتظار حمایت و پشتیبانی داشتند (لمبتون، ۱۹۸۸: ۲۸۲).

باز هم ناآرامی، تظاهرات خیابانی، تحصن و بست نشینی علما و مردم در مسجد. سخنرانی آتشین سید جمال الدین واعظ در میان اعتراض کنندگان، مردم را علیه استبداد حکام قاجار به هیجان آورد. این تجمع با دخالت عوامل حکومتی و سرکوب مردم پایان یافت اما در واکنش به خشونت نیروهای دولتی، جمعیت زیادی از مردم انقلابی به رهبری طباطبایی و بهبهانی در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) بست نشستند. رهبران دینی خواستار تأسیس عدالت‌خانه، اجرای قوانین اسلامی و عزل حاکم مستبد تهران شدند. سرانجام پادشاه با تقاضای آنها موافقت کرد.

معترضان پیروز در بازگشت به شهر با استقبال جمعیت پرشماری که فریاد زنده باد ملت ایران سر داده بودند، روبه‌رو شدند. ناظم الاسلام کرمانی در خاطرات خود می‌نویسد که عبارت ملت ایران تا آن هنگام هرگز در خیابان‌های تهران شنیده نشده بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

سومین جرقه انقلاب، در اعتراض به دستگیری شیخ محمد واعظ، روحانی انقلابی مخالف حکومت بود که طلبه جوانی به نام سید عبدالحمید به ضرب گلوله مأموران حکومتی کشته شد. روز بعد، در جریان تشییع جنازه طلبه شهید، نظامیان، مردم را به گلوله بستند و تعداد زیادی از مردم کشته و زخمی شدند و حمام خون به راه افتاد.

تهران به انبار باروت مبدل شد. هزاران نفر از مردم به رهبری علما و شخصیت‌های مذهبی و در رأس آنها طباطبایی، بهبهانی و شیخ فضل‌الله نوری به قم مهاجرت و در حرم حضرت معصومه (س) بست نشستند. مراجع و علمای نجف و اقشار مختلف مردم از سراسر کشور از آنها و آرمان‌های انقلاب مشروطه، اعلام حمایت و پشتیبانی کردند.

مهم‌ترین درخواست مشروطه خواهان در قم، تأسیس عدالت‌خانه یا مجلس شورا، اجرای قوانین اسلامی در سراسر کشور، عزل عین‌الدوله و نوز بلژیکی و برکناری علاء‌الدوله حاکم مستبد تهران بود. سرانجام مظفرالدین‌شاه، تسلیم درخواست مردم و رهبران انقلابی شد و فرمان مشروطیت را صادر کرد.

[در انقلاب مشروطیت] نهادهایی که ایجاد کردند - مجلس، قانون اساسی و مشروطیت، انجمن‌ها، اتحادیه‌های کارگری - همه در تاریخ ایران تازگی داشتند. وسایلی که برای مبارزه در اختیار گرفتند - اعتصاب عمومی، تظاهرات توده‌ای، بست نشینی و در صورت لزوم دفاع مسلحانه از حقوق خود - نیز انطباق روش‌های ایرانی با شیوه‌های جدید مبارزه اجتماعی بود که همگی مصممانه، جلدی و پرشور بودند (فوران، ۱۳۹۶: ۲۹۵).

۱-۶- مؤلفه های تاریخی

۱-۱-۶- مسافرت ایرانیان به غرب و کشورهای همسایه

مسافرت نخبگان ایرانی خصوصاً بازرگانان، فرماندهان نظامی، سفرا و دیپلمات ها به اروپا و کشورهای همسایه به ویژه روسیه، عثمانی و هند، یکی از عوامل زمینه ساز در انقلاب مشروطه بود. سفرهای ایرانیان به غرب و مشاهده تحولات علمی، سیاسی و اجتماعی اروپا و انعکاس دستاوردهای مثبت آن به جامعه ایرانی، نقش مهمی در آگاهی توده های مردم داشت و به تدریج برخی از شخصیت ها و رجال سیاسی، متوجه عقب ماندگی کشور و ناکارآمدی حکومت قاجار شدند.

۲-۱-۶- شکست های نظامی و از دست رفتن سرزمین های ایران در شمال و شرق کشور

شکست های سنگین ایران از روسیه و انگلیس، عهدنامه های شرم آور ترکمن چای، گلستان و معاهده پاریس را بر ایران تحمیل کرد که به موجب آنها بخش زیادی از سرزمین ایران از دست رفت و سرآغاز نفوذ سیاسی، اقتصادی و بازرگانی غرب در کشور گردید. به اعتقاد آبراهامیان (۱۳۹۲): «شکست های نظامی به امتیازات دیپلماتیک منجر شد، امتیازات دیپلماتیک، امتیازات تجاری را به دنبال آورد، امتیازات تجاری راههای نفوذ اقتصادی را ساخت و نفوذ اقتصادی نیز صنایع سنتی را تضعیف کرد و در نتیجه آشفتنگی های اجتماعی شدیدی پدید آمد (آبراهامیان، همان: ۶۷)». جنگ پایان یافته بود اما تجارت، کشاورزی و بازار ایران، جولانگاه شرکت ها و مؤسسات غربی قرار گرفت.

۳-۱-۶- نخبگان حکومتی و آغاز نهضت اصلاحات

همانگونه که اشاره رفت، مسافرت ایرانیان به غرب و کشورهای همسایه و آشنایی با دستاوردهای علمی آنها، زمینه ساز اصلاحات از درون حکومت شد. گرایش به اصلاحات، نخستین بار از میان درباریان، شاهزادگان، دیپلمات ها انجام گرفت و بستر ساز تحولات اجتماعی شدند.

عباس میرزا اولین اصلاح گر حکومتی و بنیانگذار اصلاحات در عصر قاجار است که با توجه به شکست های نظامی ایران و ناکارآمدی ارتش، عباس میرزای ولیعهد را به نوسازی ارتش و فراگیری علوم و فنون جدید وادار کرد. اعزام دانشجویان به خارج به منظور یادگیری علوم و فنون نظامی و مهندسی، دانش پزشکی و داروسازی، صنعت چاپ و آموزش زبان های خارجی و تنها بخشی از اصلاحات عباس میرزا به شمار می رود.

دومین اصلاح گر حکومتی، میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی مشاور ارشد و دستیار ویژه عباس میرزا بود که دوشادوش ولیعهد، نقش مهمی در تحولات کشور و افزایش توان دفاعی ایران داشت.

سومین اصلاح طلب پیشگام، امیرکبیر بود وی نماد جنبش اصلاحات در ایران معاصر است که با سفرهای مکرر به روسیه و عثمانی و مشاهده پیشرفت‌ها و نوآوری‌های غرب، به اصلاحات گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرداخت.

گل سرسبد اصلاحات قاجاری دارالفنون بود [که] برای خدمات عمومی تأسیس شد. دارالفنون تا سال ۱۲۸۰/۱۹۰۰ یک پلی تکنیک کاملاً نهادینه شده با بیش از ۳۵۰ دانش آموز بود (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۸۲). سرانجام ناصرالدین شاه به تحریک درباریان و دولت‌های روس و انگلیس، امیرکبیر را به قتل رساند و اصلاحات از درون حکومت متوقف شد.

«با متوقف شدن حلقه اصلاحات از درون حکومت، حلقه اصلاح طلبان از بیرون، فعال شدند و روز به روز فشار خود بر حکومت را افزایش دادند، که نتیجه آن منجر به انلاب مشروطیت ایران شد (دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۹۱)».

۴-۱-۶- تحولات بین‌المللی و بازتاب آن در داخل کشور

برخی از حوادث و تحولات سیاسی در عرصه بین‌المللی، به انگیزه انقلابیون و تحریک احساسات توده‌های مشروطه خواه در داخل کشور، شتاب بیشتری بخشید:

شکست نظامی کشور قدرتمند روسیه از ژاپن و همچنین پیروزی انقلاب مردم روسیه علیه دولت تزاری. حمله نظامیان بریتانیا به سرزمین ترانسوال در آفریقای جنوبی و قیام بوئرها در دفاع از سرزمین خود در ترانسوال، باعث شگفتی ملت‌های تحت ستم در کشورهای جهان سوم گردید. به عنوان نمونه، جامعه انقلابی ایران، علت شکست روسیه را ناشی از حکومت مشروطه ژاپن و شایستگی حاکمان آن کشور می‌دانستند و آن را با شکست سخت ایران از روسیه مقایسه می‌کردند و بی‌کفایتی پادشاهان قاجار را، ریشه همه نارسایی‌ها و عقب ماندگی‌های کشور برمی‌شمردند.

۲-۶- مؤلفه‌های سیاسی - مذهبی

۱-۲-۶- واگذاری امتیازات حکومت قاجار به خارجی‌ها

قاجارها علاوه بر از دست دادن بخش زیادی از سرزمین ایران، با دادن امتیازات تجاری و اقتصادی به قدرت‌های غربی، سرمایه‌های ملی را به تاراج گذاشتند. پادشاهان قاجار به منظور تأمین هزینه‌های خوشگذرانی و سفرهای خود به اروپا، امتیازات زیادی به روس و انگلیس دادند.

در اوایل حکومت [مظفرالدین شاه] رقابت در تمامی اشکال خود بین روس و انگلیس به منظور به دست آوردن امتیازات بیشتر به اوج خود رسید (نراقی، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

با واگذاری امتیازات به دولت‌های غربی و دریافت وام‌های هنگفت با بهره‌های سنگین، منابع درآمد و ثروت‌های ملی غارت می‌شد. به عنوان نمونه، در قرارداد روپتر، تمامی معادن و ثروت‌های ملی به مدت

۷۰ سال در اختیار یک دولت خارجی قرار می‌گرفت و کشور ایران بدون جنگ و خونریزی، مستعمره انگلیس می‌شد.

آبراهامیان (۱۳۹۲) آن را «عصر شکار امتیاز» می‌نامد و کرزن آن را «شبیخون بین المللی» توصیف می‌کند که مانند آن در تاریخ سابقه نداشته است (آبراهامیان، همان: ۷۱).

این امتیازات باعث رکود اقتصادی در جامعه و افزایش بدبینی و اعتراضات مردم نسبت به حکومت قاجار می‌گردید.

۲-۲-۶- امتیازات رژی و تحریم ملی تنباکو

واکنش یار [کاتالیزور] مهم برای ایجاد دگرگونی در ایران، در پی واگذاری [محرمانه] امتیاز تنباکو به وجود آمد (گارثویت، ۱۳۹۱:۳۶۲).

بر اساس قرارداد رژی (تالبوت) یا امتیاز تنباکو دولت ایران، امتیاز خرید و فروش و صادرات تنباکو را به مدت ۵۰ سال به شرکت انگلیسی «رژی» واگذار نمود. به تدریج خبر قرارداد از طریق اعلامیه‌ها و روزنامه‌ها به اطلاع مردم رسید. سید جمال‌الدین اسدآبادی قرارداد رژی را به «مزایده ایران» تعبیر کرده است.

به فرمان رهبران سیاسی و حکومتی، کارگزاران محلی وظیفه داشتند تا هر چه بیشتر از کارکنان کمپانی «رژی» حمایت کنند (کدی، ۱۹۶۶:۵۰).

از آنجا که بخش زیادی از اقتصاد کشور را تجارت تنباکو در برمی‌گرفت، بنابراین جمعیت زیادی از مردم ایران، فعالیت اقتصادی و درآمد خود را از دست می‌دادند.

[مردم] حس کردند محصولی که از زمین خود و از ملک خود به دست می‌آورند باید به طور اجبار ارزان بفروشند و گران بخرند (رضوانی، ۱۳۵۶:۵۳).

نخستین شعله‌های اعتراض‌های مردمی از شیراز یعنی مهم‌ترین مرکز تولید تنباکو زبانه کشید. خیزش مردمی در شیراز را روحانی انقلابی، سید علی‌اکبر فال‌امیری رهبری می‌کرد که به دست عوامل حکومتی دستگیر و تبعید شد. اما جنبش اجتماعی و ناآرامی‌ها از شیراز به سایر شهرهای کشور گسترش یافت. اعتراضات فزاینده توده‌های مردم با هدایت و رهبری روحانیون در تهران و شهرهای بزرگ مانند تبریز، اصفهان، مشهد، قزوین، یزد و کرمانشاه به شکل عجیبی شدت گرفت.

نخستین جنبش هماهنگ ملی ایرانیان توانسته بود علما، توده‌های شهری، و عناصر متنفذ درباری و خارجی را در ائتلافی متحد سازد جنبش تنباکو، پیروزی بزرگی بود که به هموار ساختن راه انقلاب و ایجاد دولت مشروطه یاری کرد (کدی، ۱۳۵۸: ۷۳-۱۴۶).

۲-۲-۳- کنشگران اصلی جنبش تنباکو

کنشگران اصلی جنبش و موتور محرکه قیام تنباکو، علما و مرجعیت شیعه و همچنین تجار و بازاریان ناراضی بودند که در همهٔ صحنه‌ها و حرکت‌های مردمی، پیشتاز بودند. در روند تحولات جنبش تنباکو، روحانیت و مرجعیت شیعه، در قامت پناهگاه و راهنمای جامعه، نقش مهمی در جهت‌رهدی مردم و بسیج توده‌ها عهده‌دار بودند.

مردم به رهبری روحانیون دست به اقدامات اعتراضی زدند علما به خصوص سید جمال‌الدین اسدآبادی طی نامه‌هایی به آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی که مرجعیت شیعه را بر عهده داشت، کسب تکلیف کردند و یاری‌اش را طلبیدند (نصری، ۱۳۹۱: ۴۲).

ادامهٔ تظاهرات و ناآرامی‌های اجتماعی، پادشاه مستبد و دربار قاجار را درمانده کرده بود. پاسخ حکومت به اعتراضات، تهدید، سرکوب و به گلوله بستن مردم ناراضی بود. اعتراضات مردم در ماجرای امتیاز تنباکو به اوج خود رسید، مردم با فتوای میرزای شیرازی در یک جبههٔ واحد قرار گرفتند (آوری، ۱۳۶۲: ۱۹۹).

واکنش علمای دینی و مرجعیت شیعه، استبداد ناصرالدین شاه را درهم کوبید. سرانجام میرزای شیرازی فتوای تاریخی «تحریم ملی تنباکو» را صادر کرد. بر اساس این فتوا، استعمال تنباکو در حکم مبارزه با امام زمان (عج) و حرام اعلام گردید. با انتشار فتوای میرزا، زلزله‌ای سیاسی سراسر ایران را تکان داد.

حکم میرزا، کوتاه و شکننده بود ... شنیدنی‌ترین مطلب، چگونگی انتشار حکم است باسوادان می‌نوشتند، بیسوادان نوشته‌ها را به ترتیب به مردم انتقال می‌دادند (نجفی و حقانی، ۱۳۹۲: ۵۰-۲۴۹).

ناصرالدین شاه به ناچار امتیاز تنباکو را لغو کرد و در مقابل فرمان میرزای شیرازی تسلیم شد و جلال و جبروت استبداد فرو ریخت. پیروزی مردم به رهبری علما و مرجعیت شیعه، موجب شگفتی ایرانیان و جامعهٔ بین‌المللی شد. با این توصیف، راههای مبارزه با استبداد قاجاری و انقلاب مشروطهٔ ایران هموار گردید. نقش سنتی دوگانه علما - مخالفت با دولت و مقاومت در برابر رخنه بیگانگان - در این زمان شدیدترین صورت خویش را یافت. این نقش دوگانه از سوی علما به جنبش مشروطیت کشانده شد (آلگار، ۱۹۶۹: ۲۰۶).

۴-۲-۶- ساختار استبدادی و ظلم و ستم حکام قاجار

نظام استبدادی قاجار و گسترش ظلم و ستم کارگزاران حکومتی و حکام محلی، نتایج سخت و دردناکی را بر جامعهٔ ایرانی تحمیل می‌کرد. ریشهٔ بسیاری از خیزش‌های اجتماعی عصر قاجار، ظلم و ستم دولتمردان، درباریان و حکام محلی بود. پادشاه قاجار از قدرت نامحدودی برخوردار بود و هیچ‌گونه مسئولیتی نسبت به مردم و طبقات اجتماعی نداشت. شاه منویات شخصی خود را بر سرتاسر مملکت ساری و جاری می‌ساخت. مردم خواهان عدالت و پایان دادن به بیدادگری عوامل حکومتی بودند. آیت‌الله طباطبایی رهبر

مشروطه خواهان در مسجد و بر فراز منبر، از مردم می‌خواهد تا به پیروی از امام علی (ع) در مقابل بی‌عدالتی بایستند:

او به صراحت گفت که نخست وزیر ظالم است و مردم باید علیه او قیام کنند ... هر مرضی را درمان بخصوصی است، درمان ظلم، عدالت است و درمان استبداد، شور و مشورت (کرمانی، ۱۳۷۱؛ زاهد، همان: ۱۳۸-۹).

در هر جای کشور که مردم دست به اعتراض می‌زدند، حکمرانان و عوامل دولت، آنها را سرکوب می‌کردند. هر گونه فریاد اعتراضی در گلو خفه می‌شد. همه چیز برای شورش عمومی و طغیان سراسری آماده بود.

۵-۲-۶- نقش علما و آموزه های دینی

روحانیت و مرجعیت شیعه، سلسله جنبان حرکت های اجتماعی در ایران معاصر و بانفوذترین رهبران انقلابی در روند تحولات مشروطیت به شمار می‌روند که وظیفه هدایت و بسیج توده ها را بر عهده داشتند. روحانیت از دیرباز بر روح و قلب مردم حکومت داشت (شمیم، ۱۳۸۹: ۳۵۰).

دین و آموزه های مذهب شیعه نیز یکی از مؤلفه های تأثیرگذار در انقلاب مشروطه و جنبش های اجتماعی عصر قاجار است. مذهب تشیع، شعائر و مناسک مذهبی به ویژه فرهنگ عاشورا و مهدویت، توده های مردم را علیه حکومت استبدادی قاجار متحد و یکپارچه می‌ساخت. به تعبیر جان فوران (۱۳۹۶): آیین شیعه مانند ملاط چسبنده ای جامعه ایرانی را یکپارچه نگاه داشت و جنبه مردمی به خود گرفت (فوران، همان: ۱۶۳).

بدون تردید، خیزش های اجتماعی دوران مشروطه، مدیون رهبری علما و روحیه ظلم ستیزی مرجعیت شیعه است. رهبران دینی با بهره گیری از آموزه های مذهبی شیعه به خصوص: مراسم عزاداری و روضه خوانی، مجالس وعظ و خطابه، صدور فتوا و بست نشینی و اقبال مختلف جامعه را نسبت به مشکلات سیاسی و اجتماعی آگاه می‌ساختند.

علما هم دارای نفوذ بودند و هم نخستین سخنگویان جناح مخالف دولت در حرکت عمومی شمرده می‌شدند (لمبتون، ۱۳۶۶: ۲۳۲).

در میان هر تجمع مردمی و جمعیت انقلابی، فریاد رسای یک عالم دینی به گوش می‌رسید که توده ها را به جوش و خروش می‌آورد و مردم کوچه و بازار را بر علیه استبداد داخلی و دشمن خارجی بسیج می‌کرد.

اغلب اعتراض هایی که تحولات مشروطه را رقم زد، مؤلفه های نیرومند مذهبی را با خود به همراه داشت، بر پایه چنین تصویری از انقلاب مشروطه، مذهب به مثابه موتور محرکه ای در آمد که مفاهیم و آمال نهفته در بنیان های انقلاب مشروطیت را به پیش راند (نجف زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

۳-۶- مؤلفه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی

۱-۳-۶- نارسایی های اجتماعی و اقتصادی

طبقات اجتماعی و اقشار مختلف جامعه عصر قاجار، وضعیت نابسامانی داشتند. توده های مردم در عقب ماندگی و بن بست اقتصادی به سر می بردند. در شرایطی که درآمد ملی و وام های دریافتی از بیگانگان در خدمت خوشگذرانی و سفرهای خارجی شاه و درباریان بود، توده های فقیر و فرودستان جامعه از امکانات اولیه زندگی محروم بودند. مأموران دولتی و کارگزاران محلی، زمین ها و املاک دهقانان را به زور تصاحب می کردند و مالیات های سنگین از مردم می گرفتند. تجار و بازرگانان تحت فشار عوارض جدید و خشونت عوامل حکومتی بودند.

خشکسالی و قحطی، ناامنی، منازعات و درگیری های داخلی به مرور زمان، اقتصاد کشور را درهم کوبیده بود.

ایران تابع بازارهای جهانی شد پدیده دیگر ورشکستگی صنایع پیشه وری و خانگی بود در مدت نیم قرن، بخش بزرگی از این صنایع نابود گردید. هزاران پیشه ور در ورطه ورشکستگی، بیکاری و فقر فرو غلتیدند ... این وضعیت کلی ایران بود، کشوری ضعیف، عقب مانده، با پوششی از استقلال سیاسی، اما «شبه مستعمره» (یزدانی، ۱۳۹۸: ۷-۵۳).

رشد جمعیت شهرها و توسعه شهرنشینی نیز زمینه ساز تحولات اجتماعی در ایران گردید. پدیده شهرنشینی و ایجاد نهادهای جدید اقتصادی و توسعه بازرگانی، به چالش های فرهنگی و اجتماعی دامن زد و هنجارهای بومی و بافت جامعه روستایی و ایلی را تحت تأثیر قرار داده بود. بنابراین، دستگاه حکومتی قاجار، نیاز به اصلاح و بازسازی داشت و فرصت مناسبی را در اختیار علمای شیعه، روشنفکران و نخبگان جامعه قرار می داد تا خیزش های مردمی را هدایت و رهبری کنند.

۲-۳-۶- تأثیر یافته های جدید علمی - آموزشی و فرهنگی

یافته های جدید علمی و آموزشی مانند تأسیس دارالفنون - به عنوان جامع ترین دانشگاه عصر قاجار - و دعوت از اساتید برجسته خارجی برای تدریس، تأسیس مدارس جدید و اقدامات فرهنگی از جمله: انتشار مطبوعات و چاپ و نشر آثار و کتب علمی، ادبی، سیاسی و اجتماعی، زمینه ساز رشد آگاهی و شعور سیاسی جامعه ایران گردید.

دو عامل مهم چاپ کتاب و انتشار روزنامه، سهم بسزایی در تحولات سیاسی - اجتماعی و ارتقای فرهنگ سیاسی مردم داشت ... (دهقانی، همان: ۱۵۹).

بهره برداری و توسعه شبکه های تلگراف و گسترش تکنولوژی ارتباطات - به خصوص صنعت چاپ و نشر مطبوعات - نقش مهمی در تنویر افکار عمومی و همبستگی ملی ایرانیان داشت. شبکه های تلگراف، یکی از تأثیرگذارترین ابزار اطلاع رسانی و انتقال اخبار و حوادث در عرصه مبارزات ملی و مذهبی در جریان جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت به شمار می رفت، زیرا پیام ها و اعلامیه های رهبران سیاسی - مذهبی به خصوص فتاوی علمای و مرجعیت شیعه را با سرعت در اختیار توده های مردم قرار می داد. با آمدن تلگراف، رابطه ای دوستانه میان علما و مردم گشوده شد (نجف زاده، همان: ۱۳۸).

۳-۳-۶- نقش برجسته و تأثیرگذار مطبوعات و روزنامه نگاران

جامعه ایران در آستانه وقوع انقلاب مشروطه، زیر سلطه حکومت استبدادی و بی خبر از اوضاع و احوال محیط اطراف خود، بسر می بردند. اما با ورود مطبوعات و روزنامه نگاران به عرصه حیات سیاسی و اجتماعی ایران، مهم ترین نقش را در جهت روشنگری و آگاهی مردم ایفا نمودند. روزنامه نگاران با کاربرد مفاهیمی چون عدالت، قانون، برابری اجتماعی، آزادی و دموکراسی، فصل جدیدی در حوزه ادبیات سیاسی و شکل گیری تحولات دوران مشروطیت ایجاد نمودند. یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی در روند انقلاب مشروطیت تأثیر عمیق روزنامه ها و نقش ممتاز روزنامه نگاران در توصیف لحظه به لحظه رخدادهای انقلاب و به ویژه مقاومت و پایداری در مقابل خودکامگی دستگاه حاکمه قاجار بود.

در اواخر قرن نوزدهم، مطبوعات در ایران در خدمت تحولات سیاسی - اجتماعی قرار گرفت و منشأ کنش های اجتماعی و هدایت افکار عمومی گردید (دهقانی، همان: ۲۴۵).

روزنامه ها در مقایسه با سایر عوامل زمینه ساز انقلاب مشروطیت، سهم بیشتری در روشنگری و آگاهی سیاسی جامعه و گرایش مردم به مشروطه خواهی داشتند.

مطبوعات و روزنامه نگاران با رهبران مشروطه، رابطه متقابل و دو سویه داشتند و در فراز و نشیب حوادث انقلاب، به حمایت و پشتیبانی از یکدیگر می پرداختند. روزنامه های عصر مشروطه دو دسته بودند:

الف - روزنامه های چاپ داخل که تحت کنترل حکومت بودند.

ب - روزنامه هایی که در خارج انتشار می یافتند مانند قانون، جبل المتین، اختر، حکمت، پرورش و ثریا که موقعیت ممتاز و شرایط ویژه ای داشتند زیرا از خطر سانسور و تعطیل شدن در امان بودند. آنها آزادانه و بی محابا، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت قاجار را به باد انتقاد می گرفتند و توده های مردم ناراضی را علیه استبداد و بی عدالتی حکام قاجار فرا می خواندند.

روزنامه‌هایی که در خارج از ایران انتشار می‌یافت صاعقه وار می‌درخشید و زوایای تاریک مغزها را روشن می‌کرد، مدیران آن از دسترس درباریان دور بودند مثل رعد می‌غریدند و مثل برق روشنی می‌بخشیدند. این روزنامه‌ها گاهی پنهان و گاهی آشکار وارد کشور می‌شد و دست به دست و دیار به دیار می‌گردید (رضوانی، همان: ۷-۲۶).

اما در میان همه نشریات و روزنامه‌های خارج از کشور، روزنامه حبل‌المتین روزنامه‌ای وزین، آزادیخواه، پرشور و انقلابی بود که توسط مؤید الاسلام در هندوستان انتشار می‌یافت. از نظر ملک زاده (۱۳۶۳):

حبل‌المتین یکی از پایه‌های کاخ مشروطیت و عامل مؤثر پیدایش نهضت آزادی‌طلبی در ایران بود (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۱۹۶).

روزنامه حبل‌المتین در داخل و خارج از کشور از جایگاه و محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود و مثل ماه تابان در آسمان مشروطیت ایران می‌درخشید و روشنی بخش محافل انقلابیون و زبان‌گویای مشروطه خواهان بود.

حبل‌المتین ظرف ۳۳ سال عمر مطبوعاتی خود، ۴۷ بار توقیف شد (خانیک، ۱۳۷۸: ۹۱).

۷- نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی که از آن به «ماده خام جامعه مدنی» یاد می‌شود یکی از تأثیرگذارترین عامل‌کنش‌های اجتماعی در طول تاریخ معاصر ایران به ویژه در جریان تحولات انقلاب مشروطه به شمار می‌رود. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های متنوع اجتماعی در عرصه تحولات ایران معاصر است که در طول دهه آخر دیکتاتوری قاجارها و سپس یک دوره پُر حادثه با تلاش نیروهای اجتماعی به رهبری علمای دینی با پیروزی مشروطه خواهان به بار نشست. چند حادثه جرقه‌ای و رخداد‌های لحظه‌ای، اوضاع اجتماعی کشور را به مرحله انفجار رساند و پس از چندین مرحله اعتصاب، تظاهرات و درگیری خیابانی و بست نشینی علما و توده‌های مردم، سرانجام فرمان مشروطیت صادر گردید. ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تأثیرگذار در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مشروطه ایران عبارتند از:

الف - مؤلفه‌های تاریخی شامل: شکست‌های نظامی ایران از روسیه، آشنایی ایرانیان با دستاوردهای علمی و صنعتی اروپا، نهضت اصلاحات حکومتی و تحولات بین‌المللی.

ب - مؤلفه های سیاسی - مذهبی شامل: واگذاری امتیازات زیان بار به بیگانگان، جنبش تحریم تنباکو، نقش آفرینی علما و آموزه های دینی و ساختار استبدادی حکومت قاجار

ج - مؤلفه های فرهنگی - اجتماعی شامل: نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی، ورشکستگی صنایع بومی و فقر و بیکاری، تأثیر یافته های جدید فرهنگی به ویژه صنعت چاپ و نشر و گسترش شبکه های تلگراف و مهم تر از همه نقش برجسته مطبوعات و روزنامه نگاران در جهت اشاعه فرهنگ مشروطیت.

محدود کردن قدرت پادشاه، مجلس شورا و قانون اساسی، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب، انجمن ها و نهادهای مدنی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب مشروطه ایران به شمار می رود.

۸-۱- منابع فارسی

- ۱) آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، «ایران بین دو انقلاب»، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- ۲) آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۷)، «تاریخ ایران مدرن»، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- ۳) آوری، پیتر (۱۳۶۲)، «تاریخ معاصر ایران»، محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- ۴) اطهری، سید حسین (۱۳۹۱)، «تأثیر رهبری امام خمینی (ره) بر سرمایه اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشگاه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۱.
- ۵) جوادی، ریحانه (۱۳۵۹)، جستارهایی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۶) خانیکی، هادی (۱۳۹۱)، «ساختار مشروطه و نسبت آن با ساخت مطبوعات»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، تابستان ۱۳۷۸.
- ۷) دهقانی، رضا (۱۳۹۲)، «تاریخ مردم ایران در دوره قاجاریه»، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- ۸) رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۵۶)، «انقلاب مشروطیت ایران»، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ۹) زاهد، سعید (۱۳۹۶)، «جنبش های اجتماعی معاصر ایران»، تهران، انتشارات سروش و کتاب آمه.
- ۱۰) شمیم، علی اصغر (۱۳۸۹)، «ایران در دوره سلطنت قاجار»، تهران، انتشارات بهزاد.
- ۱۱) غفاری، امید و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی توسعه سیاسی در عصر مشروطیت و نخستین دهه انقلاب اسلامی»، فصلنامه جامعه پژوهشی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶.
- ۱۲) فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷)، «ما ایرانیان، تهران»، نشر نی.
- ۱۳) فوران، جان (۱۳۹۶)، «مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران»، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۴) کدی، نیکی ر. (۱۳۵۸)، «تحریم تنباکو در ایران»، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ۱۵) گارثویت، جین رالف (۱۳۹۱)، «تاریخ سیاسی ایران»، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران، کتاب آمه.
- ۱۶) لمبتون، آن.ک.س (۱۳۶۶)، «علمای ایران و جنبش اصلاحی مشروطیت»، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر نو.
- ۱۷) ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳)، «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران»، تهران، علمی.
- ۱۸) مهدوی، ابوالقاسم و حمید عزیزمحمدلو، «تحلیل عوامل کلان مؤثر بر فرآیند انباشت سرمایه اجتماعی در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۵، شماره ۹۳، بهار ۱۳۹۷.
- ۱۹) نجف زاده، مهدی (۱۳۹۵)، «جابه جایی دو انقلاب»، تهران، انتشارات تپسا.

- ۲۰) نجفی، موسی؛ فقیه حقانی، موسی (۱۳۹۲)، «تاریخ تحولات سیاسی ایران»، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲۱) نراقی، حسن (۱۳۹۴)، «چکیده تاریخ ایران»، تهران، کتاب آمه.
- ۲۲) نصری، محسن (۱۳۹۱)، «ایران، دیروز، امروز، فردا»، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- ۲۳) همایون کاتوزیان، محمد (۱۳۹۷)، «دولت و جامعه در ایران»، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
- ۲۴) یزدانی، سهراب (۱۳۹۸)، «کسروی و تاریخ مشروطه ایران»، تهران، کتاب آمه.

۲-۸- منابع لاتین

1. Algar Hamid, (1969, 1980 imp). Religion and state in Iran 1785-1906, The Role of the Ulama in the Qajar period. Berkely University of California Press.
2. Keddie, Nikkei R., (1966). Religion and Rebellion in Iran: The Tobacco Protest of 1891-1892. London: Frank Cass Ltd.
3. Lambton, Ann S., (1988). Qajar Persia Austin: University of Texas Peress.